



## بررسی عوامل موثر بر تدریس خلاق معلمان دوره ابتدایی

پوریا آرمند

دانشجو کارشناسی آموزش ابتدایی

[Pooryarmand8013@gmail.com](mailto:Pooryarmand8013@gmail.com)

اصغر اسدی

دانشجو کارشناسی آموزش ابتدایی

[Asghr6238@gmail.com](mailto:Asghr6238@gmail.com)

محمد رضا برزگر قاضیجهانی

دانشجو کارشناسی آموزش ابتدایی

[Mohamadrezabarzgar20@gmail.com](mailto:Mohamadrezabarzgar20@gmail.com)

علی پزشکی

دانشجو کارشناسی آموزش ابتدایی

[Ali.pezeshki.18@gmail.com](mailto:Ali.pezeshki.18@gmail.com)

1

### چکیده

تدریس به عنوان یکی از حرفه‌های اثرگذار همواره بستر مهمی برای بروز و ظهور خلاقیت حرفه ای و فردی معلمان، دبیران و مدرسان علاقمند و بانگیزه بوده و هست. بی تردید خلاقیت در تدریس بویژه در شرایطی که امکانات و ابزارهای مناسب آموزشی در دسترس نیست و معلمان در انجام تکالیف حرفه ای خود با کمبودها و محدودیت های در منابع مورد نیاز خود، دست به گریبانند، می تواند به منزله یک پیشران بسیار اثرگذار در نیل به اهداف آموزشی و یادگیری عمل نماید. پژوهش حاضر به روش مروری کتابخانه ای انجام شده است که هدف از آن بررسی عوامل موثر بر تدریس خلاق معلمان دوره ابتدایی بود. نتایج پژوهش نشان می دهد که مدرسه به عنوان یکی از اجزای مهم نظام آموزشی می تواند بر فرایند تفکر و مهارت های ذهنی و شیوه های یادگیری دانش آموزان تأثیر شگرف بگذارد تا به راحتی بتواند در جهت تفکر نو و انتقادی و کشف مجهولات پیش برود و راه حل مناسبی برای مشکلات ارائه دهد. بدین ترتیب مدرسه می تواند کانونی جهت یادگیری و پرورش افکار خلاق باشد.

کلمات کلیدی: تدریس، خلاقیت، تفکر

### مقدمه

اساسی ترین توانمندی بشر که وی را از سایر موجودات متمایز می سازد، توانایی آفرینندگی است. در فرایند تعلیم و تربیت، بخش اساسی تفکر بشری یعنی خلاقیت از امور مهمی است که همواره مورد توجه بوده است. بدیهی است در صورتی که در دستگاه تعلیم و تربیت، انتقال یعنی مفاهیم و اصول به یادگیرندگان بصورت "کامل" ابتدایی و در پایین ترین سطح سلسله مراتب شناختی یعنی دانش و حداکثر فهمیدن باشد، فراگیران به ماشین هایی تبدیل خواهند شد که ذهن خود را انباشته از



محفوظات نموده و در مقام عمل که مهمترین تجلی آن جلسه امتحان و پاسخ به سوالات امتحانی است، آنرا تخلیه می نمایند در حالیکه این موضوع با اهداف آرمانی آموزش و پرورش چندان تقارنی ندارد.

"در طبقه بندی هدفهای تربیتی بلوم و همکارانش (۱۹۵۶) حیطه شناختی ترکیب و ارزشیابی و قضاوت که منجر به نوآوری و خلاقیت می شود در سطوح بالاتر یادگیری قرار می گیرد و این نشان از پیچیدگی و دشواری خلاقیت و نوآوری و پرورش افراد خلاق است." (صفوی، ۱۳۷۲).

همچنین در مورد خلاقیت سیف (۱۳۷۲) به نقل از گیلفورد (۱۹۵۶) می گوید: "آفرینندگی را می توان با اشاره به تعدادی توانایی ذهنی که منجر به تولید آثار خلاق می شوند، توصیف کرد مهمترین این ویژگی ها تفکر واگراست.

در میان خیل عظیم دانش آموختگان آموزش و پرورش وحتى آموزش عالی، تعداد اندکی یافت می شوند که به ابتکار و نوآوری در صنایع و یا بیان تئوری های بدیع بپردازند. چیزی که معمولاً "بصورت کاملاً" اتفاقی و با اتکاء بر توانمندی های شخص افراد بروز می کند نه یک برنامه منظم از پیش تعیین شده، چرا که عموماً "حل مشکلات و مسائل در نظام آموزشی ما در قالب راه های از پیش تعیین شده است. در این رابطه مورگان و همکاران (۱۹۸۴) می گویند "در مقایسه با حل مساله به طور متداول، راه حل های آفریننده، راه حل های تازه ای هستند که دیگران قبلاً" به آن دست نیافته اند. محصول تفکر آفریننده ممکن است راه های تازه تدوین دنیای پیرامون باشد. تاکید بر تفکر آفریننده بر کلمه تازه است. (سیف، ۱۳۷۱).

بدون تردید آموزش و پرورش، در جوامع امروزی یکی از ارکان مهم توسعه فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی است. از اینرو اهداف، آرمان ها و خواسته های اجتماعی جوامع از طریق نظام تعلیم و تربیت تجلی یافته و با پرورش نیروهای کارآمد و خلاق و برخوردار از دانایی و توانایی لازم برای بکارگیری استعدادها، رشد و تعالی افراد و جامعه را به دنبال خواهد داشت. "تورنس و سایر محققان مانند اسمیت و درو، سه اصل پرورش آفرینندگی به معلمان پیشنهاد می کنند: ۱- تشخیص و تمیز استعدادهای کودکان ۲- احترام به افکار و عقاید آنها ۳- طرح پرسشهای برانگیزاننده و محرک" (بدری مقدم، ۱۳۶۶).

### مدیریت مدرسه

موفقیت نهادها و سازمانها تا حدود زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. کردن فعالیت افراد است. مدیریت مدرسه یکی از چند پست مهم و «کارآ» کار مدیریت کسی که مدرسه را اداره می «اصلی در نظام آموزشی است و این سخن معروف که کند، بیانگر ارزش و اهمیت مدیریت و مسئولیت خطیر مدیر می تواند کشورها را اداره کند. (پیتر دراگر، به نقل از غیائی ۱۳۸۴).

چگونگی مدیریت خلاقیت و نوآوری می تواند اصلاح و بهبود امور را جهت سرعت بخشد و خلاقیت و نوآوری را در سازمان میسر سازد؟ سازمان خلاق نیازمند به مدیری است که در ایجاد و حفظ فرهنگ خلاق در درون سازمان و ترغیب، ترویج و به وجود آوردن انگیزه برای رفتار خلاق در افراد و گروه های درون سازمان کوشا باشد. مدیر می تواند تسهیل کننده بروز ویژگی های افراد در توسعه و تقویت خلاقیت در سازمان. (غلامپور، ۱۳۷۹) سازمان های آموزشی بیش از همه عامل مدیریت اثرگذار است و اگر مدیران مدارس در کنار مهارت های مدیریتی از دانش و مهارت خلاقیت و نوآوری برخوردار باشند، زمینه های ایجاد و رشد خلاقیت در آموزشگاه فراهم می آورد. (سام خانیان، ۱۳۸۴) سام خانیان، مدارس صحنه اجرای نوآوری است و شاه کلید تغییر و نوآوری در مدرسه ها در توانایی یا عدم توانایی مدیر مدرسه در. (نامی، ۱۳۸۰) خلق اوضاع و احوال مناسب، تعیین کننده اصلی اثربخشی در یک مدرسه قلمداد شده است. برخی از محققان نقش مدیر مدرسه را به عنوان عامل دگرگون کننده متغیرهای اجتماعی، سازمانی و شخصیتی که تأثیر اساسی در عملکرد مدرسه دارند - معرفی کرده. (نامی، ۱۳۸۰) وارن بنیس و برت نوس پس از مصاحبه های متعدد با



رهبان چندین کمپانی و عاملی که موجب نیروگرفتن کارکنان می‌«مدیران مدارس چنین نتیجه گرفتند که شود و تعیین کننده شکست یا موفقیت یک سازمان است، رهبری آن می‌باشد. (نقیبی، ۱۳۸۰) نقش مدیران در پرورش خلاقیت بسیار مهم شمرده شده است، مدیران خلاق می‌توانند خود و مدرسه تحت مدیریت خود را به مواجهه با مشکلات و بهره‌گیری از فرصت‌ها سازگار سازند و کمیت و کیفیت تصمیمات و فعالیت‌ها را افزایش دهند و دانش آموزان را از آموزش بهتری برخوردار نمایند (غلامپور، ۱۳۷۹) در دهه ۱۹۸۰ مطالعه شناخت سه سبک «تعامل مدیر معلم» ای تحت عنوان مدیریت را به ارمغان آورد که بازگو کردن آنها در اینجا به درک نقش اساسی مدیر در کیفیت فرایند آموزشی مدرسه کمک می‌کند. این سه سبک مدیریت که با مشاهده مدیران و مصاحبه با آنان در سه منطقه مختلف آموزشی در سه ایالت مختلف آمریکا در طول یک سال تحصیلی شناسایی و معرفی شده‌اند، عبارتند از: الف (سبک پاسخگویی؛ ب (سبک گرداندگی؛ ج (سبک آغازگری). الف (سبک پاسخگویی: مدیران دارای سبک پاسخگویی کسانی هستند که هیچ برنامه‌ای از پیش تعیین شده‌ای برای ایجاد تغییر و بهبود کیفیت یاد دهی - یادگیری ندارند، طالب حفظ آرامش در مدرسه از طریق حفظ وضع موجود بوده و می‌کوشند تا از تبدیل مسائل کوچک به بزرگتر جلوگیری کنند و به تعبیری بهترین خبر برای این مدیران این است که هیچ خبری نیست. این مدیران به اقدامات نوجوانانه بی تفاوت هستند. ب (سبک گرداندگی: مدیران دارای سبک گرداندگی، به اجرای اقدامات نوآورانه کمک می‌کنند. هرچند مانند مدیران سبک پاسخگویی، با موضوع تغییر و تحول برخورد انفعالی دارند اما در برابر معلمان نوآور از خود واکنش مثبت نشان می‌دهند و از حرکت‌ها اقدامات آنان حمایت می‌نمایند. ج (سبک آغازگری: مدیران دارای سبک آغازگر، بالاترین درجه توفیق نوآوری‌ها و ایجاد تغییر و تحول دارند. این مدیران نقش و رسالت اصلی خود را قرارگرفتن در موضع رهبری آموزشی می‌دانند و خود ابداع کننده یا آغازگر برنامه‌های تحول آفرین بوده و اجرای آنها را از معلمان می‌خواهند و یا اینکه با خلق فضای مساعد و فرهنگ سازمانی مستعد تغییر، شوق و نشاط اصلاح و بهبود را در دیگران به وجود می‌آورند. این مدیران هرگز از کلاس درس فاصله نمی‌گیرند و به طرق مختلف بر کیفیت کار معلمان نظارت می‌کنند. (مهر محمدی، ۱۳۷۵) مهر محمدی، به نظر می‌رسد که توجه به این واقعیت، پاسخ به این سؤال که مدارس کشور ماکدام یک از سه سبک ذکر شده را توسط مدیران مورد استفاده قرار می‌دهند، می‌تواند گره‌گشای برخی مشکلات آموزشی گردد و خالی از فایده نباشد.

### عوامل موثر بر تدریس خلاق معلمان

عملکرد معلم از ابعاد گوناگونی قابل بحث و بررسی است. الگوی رشد خلاقیت، پنج جنبه‌ی اساسی عملکرد معلم را مورد توجه قرار می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۸).

الف) بعد فیزیکی: فضای کلاس مانند محرکات بصری در کلاس، ترتیب چیدن میز و صندلی، اختصاص فضای لازم برای فعالیت دانش‌آموزان نقش مهمی در تسهیل فرایند یادگیری خلاق ایفا می‌کند. برای ایجاد ساختار فیزیکی مناسب در کلاس تمهیدات زیادی را میتوان با کمک دانش‌آموزان فراهم کرد. از جمله خوب است میز یا جعبه‌های در کلاس باشد که انواع وسایل مانند قیچی، مقوا، سیم، چوب و ... در آن نگهداری نمود و با توجه به موضوع درس از آن برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان بهره گرفت. (ویلیامز، ۱۹۷۰).

ب) - بعد اجتماعی: سیکز تنمی‌هالی (۱۹۸۹) معتقد است ما نمیتوانیم به افراد و کارهای خلاق جدا از اجتماعی که در آن عمل میکنند بپردازیم. زیرا خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست. والاس (۱۹۸۶) معتقد است: در کلاسهای خلاق، تفکر بیش از حافظه ارزش دارد. معلم تعادلی بین امنیت روانی و آزادی برقرار می‌سازد تا دانش‌آموز بتواند ریسک کند، همچنین معلم به عنوان هدایت کننده و تسهیلگر فرایند یادگیری است. در حالی که در کلاس غیرخلاق، معلم مقتدر است، سخت در بند زمان، غیرحساس به نیازهای احساسی دانش‌آموزان و مقید به نظم و رایاه اطلاعات است. لذا معلم برای ایجاد جوی مطمئن و



مناسب برای برقراری ارتباطات مبتنی بر احترام باید نهایت تلاش را بنماید. دانش‌آموزان باید در کلاس احساس آرامش و امنیت نموده و از آزادی لازم برخوردار باشند. ارزشیابی مستمر و رقابت بین افراد نیز از موانع جدی خلاقیت است. معلم باید ارزشیابی را به شیوه کیفی انجام داده و از رقابت به شدت پرهیز کند.

بعد شناختی- عاطفی: خلاقیت بدون بعضی از زمینه‌های شناختی- عاطفی هرگز میسر نمیگردد. مهمترین آنها عبارتند از: برانگیختن کنجکاوی، تشویق به سوال کردن و اهمیت دادن به سوالات، افزایش قدرت ریسک‌پذیری و خطر کردن، درگیری با ابهامات و پیچیدگی‌ها و افزایش قدرت تخیل است (حسینی، ۱۳۸۲). استرنبرگ (۱۹۹۶) مسائل اساسی که از طریق معلمان میتواند منجر به افزایش توانایی خلاق دانش‌آموزان گردد را چنین برمی‌شمارد: ۱- معلم باید دانش‌آموزان را به سوال کردن تشویق نماید. ۲- معلم باید به دانش‌آموزان اجازه اشتباه کردن بدهد. ۳- معلم باید دانش آموزان را ترغیب به ریسک نمودن نماید. ۴- معلم باید ایده‌های خلاق دانش‌آموزان را تشویق کند.

پ) بعد فکری: به طور کلی ساختار فکری کلاس زمانی میتواند موجب رشد خلاقیت دانش‌آموزان گردد که تفکر و اندیشیدن را در آنها تقویت بنماید. برای تحقق این هدف معلم باید مسائلی را در کلاس طرح کند که نیاز به تحقیق و تامل داشته باشد. معلمان اگر برای ایده‌های غیرعادی ارزش قایل شوند، میتوانند قدرت ابتکار را در دانش‌آموزان خویش ارتقا دهند. اگر در حل مسائل از دانش آموزان خواسته شود بر روی جنبه‌های مختلف مساله متمرکز شوند، امکان یافتن راه‌های مختلف و بیشتر افزایش مییابد. کیفیت سوالات معلم از دانش آموزان نقش تعیین کننده‌ای در این زمینه دارد و میتواند باعث انعطاف‌پذیری در دانش‌آموزان گردد (حسینی، ۱۳۸۲).

ت) بعد آموزشی- تدریس: قلب عملکرد معلم در رابطه با یادگیری خلاق، شیوه‌های تدریس مناسب اوست. مواد و محتوای آموزشی باید با توانایی‌ها، آمادگی و تجربیات پیشین دانش آموزان متناسب باشد و فرصت مناسب برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه اعم از فعالیت‌های کلاس و خارج از آن و فعالیت‌هایی که حواس مختلف و بیشتری را طلب میکند، فراهم آورد. با غنی‌سازی محیط آموزشی در چهارچوب ضوابط برنامه، محیط تقریباً مناسبی برای دانش‌آموزان فراهم میشود تا آنها به توسعه اطلاعات، تفکر، تقویت اعتماد به نفس و خودشناسی اقدام کنند؛ یعنی چنین محیطی میتواند زمینه‌های پرورش خلاقیت را فراهم کند. بنابراین می‌توان گفت که عامل تدریس پل ارتباطی معلم، دانش‌آموز و محتوای درسی میباشد (سام خانیان، ۱۳۸۴). بنابراین نوع روش تدریس دبیران و برخورد آنها با دانش‌آموزان و مشارکت دادن دانش‌آموزان در جریان تدریس در یادگیری دانش‌آموزان نقش تعیین کننده‌تری دارد. امروزه نتایج تحقیقات تربیتی بر اهمیت رابطه معلم و شاگرد در کلاس درس تاکید می‌ورزند بخاطر اینکه معلمان با شناخت هرچه بیشتر از موقعیت یادگیری و روانشناختی دانش‌آموزان، شناخت ویژگی‌های شخصیتی و مراحل رشد آنها بهتر میتوانند در مورد فرایندهای یاددهی و یادگیری گام‌های موثرتری را بردارند (محمودی، ۱۳۸۲).

سوژه‌هایی نظیر «خلاقیت در تدریس» و «معلمان خلاق» از ابعاد مختلف مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته است که به پاره‌ای از مرتبط‌ترین آنها با موضوع مطالعه حاضر اشاره می‌شود. سن برچی (Cenberci, 2018) در ارزیابی گرایش به تفکر خلاق در میان معلمان آینده ریاضیات بر حسب متغیرهای مختلف پیشنهاد می‌کند که اولاً بایستی محیط مناسب برای توسعه سطوح تفکر خلاق معلمان ریاضی مهیا گردد؛ ثانیاً معلمان آینده در حوزه مذکور می‌بایست روشهای تدریس خود را به شیوه‌ای تنظیم نمایند که بر گرایش تفکر خلاق دانش آموزان تأثیر بگذارد؛ ثالثاً اهمیت تفکر خلاق می‌بایست به معلمان آینده آموخته شود؛ رابعاً به معلمان آینده معلمان باید کمک شود تا حداقل به یکی از هنرها ورود نمایند. سطح آگاهی آنها از این موضوع که آموزش هنر سبب می‌شود تا افراد به شکلی خلاق تفکر کنند را افزایش دهند؛ و خامساً باید از شدت و محوریت برنامه درسی کاسته شود و سطح خلاقیت معلمان می‌بایست با فراهم کردن فرصت فکرکردن برای آنها توسعه یابد. گاس،



سونمان و گریفیتس (Goss, Sonnemann, and Griffiths, 2017) در پژوهش خود دریافتند که معلمان خلاق همواره با فراهم کردن فضا و بستر مناسب تلاش می‌کنند که علاوه بر افزایش سطح انتظارات خود از دانش آموزان، ارتباط و تعامل خود را با دانش آموزان گسترش داده و با ایجاد رویه‌های اثربخش، دانش آموزان را برای مشارکت بیشتر و توان ریسک جویی بیشتر به چالش بکشند. به باور آنها هنگامی که با تدابیر و استراتژی‌های آموزشی معلمان خلاق، دانش آموزان در فعالیتهای آموزشی به صورت هدفمند درگیر شده و مشارکت داده می‌شوند، بیشتر و عمیقتر می‌آموزند و اهداف آموزشی فراتر از انتظار محقق می‌گردد. در همین ارتباط چی و همکارانش (Chee, Yahaya, Ibrahim, and Hasan, 2016) نیز در مطالعه ارتباط میان معلمان خلاق مالزی و خلاقیت آنها در تدریس دریافتند که تدریس خلاق پدیده‌ای است که می‌توان آن را با بهره‌گیری از برنامه‌های توسعه‌ای متنوع، بهبود بخشید و تقویت نمود. لاپینیین و دومسین (Lapeniene and Dumciene, 2014) در مطالعه دیدگاه ۲۶۱ معلم لیتوانیایی در خصوص مفهوم خلاقیت معلمان و عوامل مؤثر بر آن نتیجه گرفتند که خلاقیت معلمان متأثر از عواملی چون خودکارآمدی خلاقانه، انگیزه درونی سازی هدف برای عمل آموزشی و پداگوژیک و احساسات مثبت است. آنها همچنین دریافتند که علاوه بر اهمیت دسترسی معلمان به منابع کافی، زمینه اجتماعی نیز در تسهیل خلاقیت شخصی معلمان بسیار اهمیت دارد.

چان و لیون (Chan and Yuen, 2014) در تحلیل دیدگاه معلمان هنگ‌کنگی آنان در مورد افزایش خلاقیت، عوامل پیشران و بازدارنده از انجام رفتارهای خلاقه در تدریس نشان داد که هم عوامل فردی مشتمل بر شخصیت معلمان، انگیزه، نگرش و هدفمندی رفتار آموزشی آنان و هم عوامل محیطی مشتمل بر مدرسه و محیط آن و همکاران و اطرافیان معلم از عوامل و موانع تدریس خلاق به شمار می‌آیند. چونگ و لئونگ (Cheung and Leung, 2014) نیز در بررسی ویژگی‌های شخصیتی معلم خلاق دریافتند که علاوه بر خوش‌رفتاری، صداقت، انگیزه بالا، نوگرایی، معلمین خلاق خواهان تغییر و تحول و کسب تجارب نو هستند و با ریسک‌جویی بالا از منحرف شدن از مسیر اصلی و ورود به حیطه‌های ناشناخته هیچ ترس و ابایی ندارند. هنریکسن و میشر (Henriksen and Mishra, 2013) در پژوهشی با عنوان آموختن از معلمان نمونه به تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با معلمان برنده جایزه ملی در بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که انتخاب همه این معلمان به خاطر استثنایی یا برجسته بودن و خلاقیت آنها در تدریس بوده است. علاوه بر این، تحلیل این مصاحبه‌ها کمک کرد تا پنج روش کلیدی برای راهنمایی آموزش خلاق شناسایی شود. این روشها عبارتند از: علاقمندی به تدریس، ارتباط دادن تدریس با دنیایی واقعی، ریسک فکری، ارزش‌های مشترک و ایجاد مجموعه ذهن‌های خلاق. پیش قدم و همکارانش (Pishghadam, Ghorbani Nejad and Shayesteh, 2012) در تحلیل ارتباط بین خلاقیت و موفقیت معلمان وجود رابطه‌ای قوی بین این دو متغیر گزارش کرده‌اند. نتایج به دست آمده از همبستگی معادلات یکسان در این مطالعه نشان داد که می‌توان از خلاقیت به عنوان یک معیار پیش بینی قدرتمند برای موفقیت دبیران استفاده کرد. مورایس و آزویدو (Morais and Azevedo, 2011) در مطالعه دیدگاه و ادراک ۵۷۶ معلم در مدارس پرتغال نسبت به تلقی آنها از یک دانش آموز خلاق و یک معلم خلاق، اینکه چگونه خود را به عنوان یک فرد خلاق ارزیابی می‌کنند و اینکه چگونه در مورد خلاقیت همکارانشان، دانش آموزان، برنامه درسی و مدرسه قضاوت می‌کنند، دریافتند که خلاقیت معلم اساساً با اشتیاق معلم در کلاس، استقلال عمل در دانش آموزان، ارتباط نزدیک و فردی معلم با دانش آموزان و توانایی علمی او مرتبط است. جبلی-آده و سبجانی (Jebeliadeh and Sobhani, 2012) در ارزیابی تأثیر بکارگیری روش‌های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی استان گلستان که به صورت نیمه تجربی انجام شد، دریافتند که آموزش خلاقیت به معلمان در چهار مؤلفه خلاقیت (سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط) در میزان رشد خلاقیت دانش آموزان گروه آزمایش تفاوت معنی-داری ایجاد کرد. هورن و همکارانش (Horng, Hong, Chanlin, Chang, and Chu, 2005) در بررسی عوامل مؤثر بر



تدریس خلاق و شناسایی استراتژی‌های اثربخش آموزشی مورد استفاده توسط سه نفر از معلمان برنده جایزه در زمینه یادگیری فعالیت‌های یکپارچه دریافتند که عبارتند از: الف) ویژگی‌های شخصیتی معلم مشتمل بر پایداری، تمایل به توسعه، پذیرش تجربیات جدید، اعتماد به نفس، حس شوخ طبعی، کنجکاوی، عمق اندیشه، تخیل، ب) عوامل خانوادگی نظیر روشنفکری والدین در امر آموزش کودکان و عملکرد خلاق والدین، ج) تجارب مربوط به رشد و آموزش نظیر استفاده از بازی‌ها و داستان‌های خودساخته و طوفان مغزی میان دانش‌آموزان، د) باورهای مناسب در امر تدریس، پشتکار و سختکوشی و انگیزه و ه) جنبه‌های اداری سازمان مدرسه از عوامل مؤثر بر آموزش خلاقانه معلمان در فعالیت‌های آموزشی یکپارچه می‌باشند. در میان این عوامل، وجود باورهای صحیح در امر آموزش، سختکوشی و انگیزه از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار بودند. آنها همچنین دریافتند که فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموز-محور، ایجاد ارتباط بین مطالب آموزشی و زندگی واقعی دانش‌آموزان، مدیریت مهارت‌ها در کلاس، استفاده از سوالات بازپاسخ، تشویق دانش‌آموزان به تفکر خلاق و استفاده از فناوری و مواد آموزشی چندرسانه‌ای از استراتژی‌های مؤثر آموزشی بودند که معلمان مورد مطالعه از آنها استفاده کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

خلاقیت یک توانایی همگانی است که هم ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی است و هم عوامل اجتماعی آن مطرح است. هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. یکی از مکانهای پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامیکه کودک وارد مدرسه می‌شود، فرایند اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع می‌شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه‌های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی‌توجهی به ویژگی‌های کودکان خلاق، سبب می‌شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روشهای تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعدادها دانش‌آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می‌تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش‌آموزان گام بردارد. در تحقیقی که توسط گوگن (۱۹۸۳) با استفاده از تست خلاقیت تورنس در نمونه‌ای از ۲۲۵ کودک در مدرسه انجام شد، مشخص گردید: روش‌های فعال بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان بویژه دختران بیشتر است در مقابل دانش‌آموزان به روش سنتی کمترین افزایش خلاقیت را نشان داده‌اند.

بعد از یک سال حتی خلاقیت آنان، پایین‌تر از خط پایه نسبت به گروه مقابل (روش فعال) نشان داده شد. در تحقیقی دیگری که توسط هادون و لیتون (۱۹۶۸) در مقایسه بین دو کلاس پویا و سنتی انجام گرفت، مشخص شد که بچه‌ها بعد از گذشت ۴ سال از کلاس ابتدایی، برتری پایداری را در تفکر واگرا نسبت به بچه‌های با کلاسهای سنتی نشان داده بودند. میلگرام (۱۹۹۰) نیز معتقد است علت شکست مدرسه در رشد خلاقیت تا حد زیادی به تعلیم و تربیت همشکل و یکنواخت مربوط می‌شود. این در حالی است که هرکدام از بچه‌ها کاملاً با یکدیگر متفاوتند. در نتیجه‌ی چنین مشاهداتی مشخص می‌شود، اگر محیط آموزشی بویژه روشهای تدریس که مستقیماً مرتبط با تفکر کودک است، مناسب با رشد خلاقیت کودکان نباشد، باعث کاهش خلاقیت می‌شود. تا جائیکه تورنس در اولین یافته‌هایش بیان می‌کند، در رشد خلاقیت کودکان آفتی در کلاس چهارم وجود دارد که بدلیل وجود شرایط نامساعد مدرسه بویژه روش‌های تدریس است. همچنین در تحقیقات نشان داده شده است اگر شرایط مناسب تدریس برای کودک در همان کلاس چهارم وجود داشته باشد، این آفت با کاهش کمتری روبرو می‌شود و چه بسا نسبت به دانش‌آموزان با روش سنتی نیز خلاقیت بیشتری نشان دهند. تورنس (۱۹۸۷) در نتایجی از ۳۰۸ مطالعه انجام شده، نشان می‌دهد که روشهای تدریس مناسب، بر رشد خلاقیت کودکان تأثیر مثبت می‌گذارد و در ۷۰٪ موارد با موفقیت همراه است.



بنابراین معلم باید برای برانگیختن فعالیتهای مورد نظر خود از رغبت های طبیعی دانش آموزان استفاده کند و آنها را وادار نماید تا از روی رغبت و علاقه فعالیت نمایند و خلاقیت آنها را پرورش و شکوفا سازد. تحقیقی توسط رمی و پیپر (۱۹۷۴) سولیوان (۱۹۷۴) انجام شد، محور آنها مقایسه کلاسهای پویا یا باز با کلاسهای سنتی بوده است. فضای کلاسهای باز یا پویا برای رشد شرایط پژوهش، کنجکاوی، دستکاری، خودفرمانی و یادگیری مناسب بود. اما کلاسهای سنتی در امتحان گرفتن، درجه بندی، تدریس مقتدارانه با سختگیری دنبال می شد و تغییر کمی در برنامه آموزشی خود ایجاد می کردند. همچنین سولیوان (۱۹۷۴) دریافت، بچه هادر کلاس بازر مقایسه با بچه های کلاسهای سنتی نمره معنادار و بهتری در ۲ از ۴ تست گلیفورددست می آورند. فراهم آوردن زمینه ها و شرایطی که به تقویت تفکر خلاق در مدارس منجر شود دامنه وسیعی دارد که از تغییر در نگرشها تا روشهای تدریس امتداد می یابد. در تحقیقی که ارتباط متقابل بین معلم و خود کارآمدی معلم ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان داده شد نوع نگرش معلم به درس تعیین کننده سطح موفقیت آنان در تدریس آن درس می باشد. علاقه مندی و عدم علاقه مندی آنان به درس تأثیر مستقیم در نحوه آموزش آنان دارد و باعث ایجاد رفتارهای خود مدارانه یا شرکت دادن دانش آموزان در امر تدریس، تحقیق و آزمایش است و نتیجه آن رشد یا کاهش خلاقیت در کودکان می باشد.

چامبرز (۱۹۷۳) در مطالعه ای از ۶۷۱ معلم، تأثیرات منفی و مثبت آنها را بر روی خلاقیت دانش آموزان مورد بررسی قرار داد. بررسی پاسخ ها نشان می داد: معلم هایی که موجب رشد خلاقیت در دانش آموزان هستند در مدیریت و هدایت کلاس به روشهای غیر رسمی گرایش دارند. آنها به دانش آموزان اجازه می دهند موضوعاتی را که می خواهند، انتخاب کنند. پذیرای دیدگاههای غیر معمول آنها هستند، به خلاقیت پاداش داده، در بیرون از کلاس با دانش آموزان در تعامل هستند و تشویق استقلال دانش آموزان و عملکرد مثبت آنها را بعنوان نقش موثر الگوی خلاقیت می دانند. در مقابل رفتارهای متضاد که باعث کاهش خلاقیت می شود، عبارتند از: دلسرد کردن عقاید دانش آموزان، تأکید بر تکرار یادگیری، ناامنی، سختگیری و اعمال روش های سنتی که موجب تقلیل خلاقیت می شود.

به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش آموزان را با دنیای فردا که مسئله و مشکلات بی شماری دارد، آماده ی حل مسئله، خلاقیت و نوآوری می کند. پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش های فعال تلاش کند تا معلمان از روشهای مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجکاوی کودکان را برانگیزند و شرایط مناسب تری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند.

### منابع

- آلکس اس، اسبورن، (۱۳۷۱) پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، قاسم زاده حسن، (مترجم) نیلوفر، تهران
- تورنس، تی پال، (۱۳۷۲) استعدادها و مهارت های خلاقیت و راه های آموزش آنها، قاسم زاده، حسن، (مترجم) دنیای نو، تهران
- جلالی، مریم، (۱۳۷۷) بیانیه ملیبورن در گروه مترجمان، پژوهشکده تعلیم و تربیت
- حق شناس، مرجان، (۱۳۷۸) خلاقیت در آموزش و پرورش، فصلنامه مدیریت آموزش و پرورش، شماره ۲۳-۲۴
- دلاور، علی، (۱۳۷۴) روش های آماری در علوم تربیتی و روان شناسی، پیام نور، تهران
- دلاور، علی، (۱۳۷۴) روش های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، پیام نور، تهران
- سام خانیان، محمد ربیع، (۱۳۸۴) خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی، رسانه آموزشی، تهران
- Abraham, A. (2016). Gender and creativity: an overview of psychological and neuroscientific literature. *Brain Imaging and Behavior*, 10 (2), 609-618.
- Balkar, B. (2015). The Relationships between Organizational Climate, Innovative Behavior and Job Performance of Teachers. *International Online Journal of Educational Sciences*, 7 (2), 81-92.



با امکان صدور گواهی نامه بین المللی



# 7<sup>th</sup> National Conference on Interdisciplinary Research in Management & Humanistic Science

21 November 2023 - Tehran

هفتمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

محل برگزاری: تهران

۳۰ آبان ۱۴۰۲



- Chan, S., and Yuen, M. (2014). Personal and environmental factors affecting teachers' creativity-fostering practices in Hong Kong. *Thinking Skills and Creativity*, 12 (1), 69-77.
- Danaeifard, H., and Kazemi, H. (2011). *Interpretive Research in Organization: Phenomenological and phenomenographic Strategies*. Tehran: University of Imam Saddegh Press.
- De Jong, J. (2007). "Individual innovation: the connection between leadership and employee's innovative work behavior,," Unpublished PhD Dissertation, Faculty of Economics and Business, University of Amsterdam.
- Emami Sigaroodi, A., Dehghan Nayeri, N., Rahnavard, Z., and Nori Saeed, A. (2012). Qualitative research methodology: phenomenology. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 22 (68), 56-63.